

قرآن و مسئلہ قانونگذاری

برای وضع قانون معمولاً عده‌ای از حقوقدانان دورهم جمع می‌شوند و با شور و تبادل نظر و بحث و مذاکره مواد آنرا تنظیم میکنند . و با این حال با گذشت زمان نقاط ضعف آشکار میشود و نیاز به تغییر یا افزودن ماده واحد و تبصره احساس میگردد .

پس از گذشتن يك يا چند قرن ناتوانی قانون از اداره اجتماع آشکار گشته و وضع قانون جدیدی لازم بنظر میرسد .

حال با دقت و تعمق باین مطلب توجه کنید که يك مرد درس ناخوانده و استاد ندیده در گوشه‌ای دواز تمدن ، بتهائی وبدون شور و تبادل نظر با دیگران ، قانونی جهانی می‌آورد که نه فقط عرب بیابانگرد را در کمتر از يك قرن متشکل نموده بر امپراطوریهای معاصر خود غلبه میدهد ، بلکه برای بشر قانونی عرضه میدارد که حتی در عصر فضا رستگاری واقعی جوامع بشری جز با عمل به آن میسر نیست و اینک تا باید مطالب فوق را از زبان و قلم يك حقوقدان بزرگ امریکائی مطالعه میکنید :

هیچ کدام از ادیانی که امروز در جهان وجود دارند (اعم از حق و باطل) پیروان خود را از داشتن قانون دیگر ، برای اداره آموزندگانی بی نیاز نمی‌کند چنانکه « ربرت هوگوت جاکسون » دادستان دیوان کشور ممالک متحده آمریکا مینویسد (۱) ؛ در غرب ... سیستم قانونی را يك موضوع دنیوی میدانند که در آن مقتضیات وقت رل بزرگی بازی میکند . البته نفوذهای مذهبی در تشکیل قوانین خیلی مؤثر و قوی بوده اند ... ولی با وصف همه اینها ، قانون باز بصورت يك امر دنیوی باقی مانده است . مجالس مقننه برای وضع قانون و دادگاهها برای اجرای آن بوجود آمده است و اینها تاسیسات جهانی بشمار می‌آیند که با دولت سروکار دارند و مسئول آن (دولت میباشد) نه کلیسا و مذهب .

از این رو قانون مادر امریکا تکالیف مذهبی معین نمیکند بلکه در حقیقت هشیارانه آنها را حذف میکند . قانون در امریکا فقط يك تماس محدودی با اجرای وظایف اخلاقی دارد . در

حقیقت يك شخص امریکائی در همان حال که ممکن است يك فرد مطیع قانون باشد ممکن است يك فرد پست و فاسدی هم از حیث اخلاق باشد» (۲) ولی در دین اسلام حقوق و قانون جزء دین و متحد با آنست چنانکه همو گوید: « ولی برعکس آن در قوانین این قانون و این اراده الهی تمام مؤمنین را جامعه واحدی میشناسد، گرچه از قبایل و عشایر گوناگون تشکیل یافته و در مواضع و محل های دور و مجزای از یکدیگر واقع شده باشند.

در اینجا مذهب نیروی صحیح و سالم التصادق دهنده جماعت میباشد نه ملیت و حدود جنرافیائی. در اینجا خود دولت هم مطیع و فرمانبردار قرآن است و مجالی برای قانونگذار دیگری باقی نمی گذارد، چه رسد بآنکه اجازه انتقاد و شقاق و نفاق بدهد. بنظر مؤمن این جهان دهلیزی است بجهان دیگر که جهان بهتر باشد و قرآن قواعد و قوانین و طرز سلوک افراد را نسبت به یکدیگر و نسبت با اجتماع آنها معین میکند تا آن تحول سالم را از این عالم بعالم دیگر تأمین نماید، غیر ممکن است تئوریهها و نظریات سیاسی و با قضائی را از تعلیمات پیامبر تفکیک نمود.

تعلیماتیکه طرز رفتار را نسبت به اصول مذهبی و طرز زندگی شخصی و اجتماعی و سیاسی همه را تعیین میکند تا حقوق، یعنی تعهدات اخلاقی که فرد ملزم با اجرای آن میباشد بیشتر مطمئن نظر است و هیچ مقامی هم در روی زمین نمیتواند فرد را از انجام آن معاف بدارد و اگر از اطاعت سرپیچی کند حیات آینده خود را بمخاطره انداخته است» (۳) و بهمین جهت است که اسلام و قرآن بعنوان يك قانون زنده و کامل (صرف نظر از جنبه مذهبی) میتواند مورد مطالعه و بهره مندی حقوقدانان مطلع و ورزیده جهان قرار گیرد چنانکه همو گوید:

«... بتمام معنای کلمه میتوان گفت که حقوق اسلامی برای تتبع و مطالعه هر حقوقدان امریکائی که بخواهد مقایسه هائی در رشته حقوق بعمل آورد زمینه بسیار خوبی است.» مطالعه کنندگان حقوق اسلامی تازه دارند به واقعیات عجیب حقوقی و اجتماعی آن بر میخورند و درسهای مفیدی از آن فرامیگیرند چنانکه نویسنده نامبرده فوق میگوید: «مطلب عمده این است که ما تازه شروع کرده ایم به تشخیص این نکته که این مذهب (اسلام) که جوانترین مذاهب دنیا است فقهی ایجاد نموده که حس عدالتخواهی میلیونها مردمی را که در زیر آسمانهای سوزان آسیا و آفریقا و چندین هزار نفر دیگر را که در کشور آمریکا زیست میکنند اقناع مینماید. هر چند ممکن است ما نسبت بالهام مذهبی حقوق آنها مشکوک باشیم مع ذلك حقوق

۲ - ص ب - مقدمه .

۳ - ص ج مقدمه

مزبور درسهای بسیار مهمی در اجرای قوانین بما می آموزد . حالا موقع آن رسیده که دیگر خودمان را در دنیا تنها قومی ندانیم که عدالت را دوست میدارد و یا معنای عدالت را می فهمد .

زیرا کشورهای اسلامی در سیستم قانونی خود رسیدن باین مقصد را نصب العین خود قرار داده اند . و تجربیات آنها درسهای ذیقیمتی برای ما در بردارد . (۱)

نظر به آنچه گفتیم عملی کردن قانون اسلام باعث ترقی و تکامل فوری جوامع بشری میگردد . اگرچه قبلا در پست ترین مراحل آن باشند چنانکه دانشمند مذکور می نویسد : اینطور بود که نیروی حیاتبخش والتصاق دهنده آئین محمدی (ص) در طی يك قرن پس از رحلت محمد (ص) قوم و عشیره او را با اینکه فاقد يك دولت متشکل واقعی و فاقد يك قشون ثابت و فاقد آرمانهای سیاسی مشترك بودند معذالك قادر ساخت بر سواحل افریقائی مدیترانه استیلا یابند ؛ اسپانیا را مغلوب سازند و فرانسه را مورد تهدید قرار دهند (۲) خلاصه مطالب گذشته را میتوان بدینشکل بیان کرد :

ادیانی که در جهان وجود دارد (اعم از حق و باطل) پیروان خود را از داشتن قانون بی- نیاز نمیکنند ولی اسلام علاوه بر مذهب ، قانون کاملی است و بهمین جهت بعنوان قانون زنده ای میتواند مورد مطالعه و استفاده حقوق دانان جهان باشد .

مطالعه کنندگان حقوق اسلامی تازه دارند به نکات عجیب اجتماعی آن پی میبرند و درسهای مفیدی از آن فرا میگیرند .

نظر بر اینکه اسلام هم دین وهم قانون است میتواند پست ترین و ضعیف ترین اقوام را به آخرین درجه سعادت و قدرت برساند .

اسلام تنها قانونی است که حل تمام مشکلات جوامع بشری را بعهده میگیرد . علاوه بر حکومت اسلامی تمام افراد مسلمان ضامن اجرای قوانین اسلام می باشند

نگاهی به ابواب فقه اسلامی

قانون اسلام یافته اسلامی که بر مبنای قرآن و تفسیر و تفصیل آن بوسیله پیامبر عظیم الشان و ائمه هدی (ع) بوجود آمده است آنچنان جامعیت دارد که اهر نظر جالب میباشد ، اینک برای نشان دادن عظمت آن فهرستی از فقه اسلامی در اینجا می آوریم تا معلوم گردد که تمام مسائل زندگی بشری از فردی و جمعی چگونه در آن پیش بینی شده است .

فقه اسلامی بر چهار شاخه بزرگ تقسیم میشود بدینقرار :

الف - عبادات یعنی اعمالیکه فقط بقصد قربت و برای نزدیک شدن بخدا انجام میشود مانند نماز و روزه و حج و غیره .

ب - عقود - یعنی معاملاتی که انعقاد رسمی آنها بگفته دوطرف بستگی دارد ، مانند خرید و فروش و غیره .

ج ، ایقاعات - یعنی معاملاتی که با گفته یکطرف رسمیت پیدا میکند ، مانند اقرار ، طلاق .

د - احکام - که در انجام و عملی شدن آنها نیازی بگفته و لفظ نیست و باصطلاح بدون نیاز باجرا صیغه منعقد میشود مانند ارث .

مطالب هر کدام از شاخه‌های بزرگ نامبرده در ضمن چندین کتاب بیان میشود و اینک

فهرست آنها :

الف - عبادات که شامل ده کتاب است بشرح زیر :

۱ - کتاب طهارت (شامل بحثهای وضو ، غسل ، رفع پلیدیها ، پاکیزگی ...)

۲ - صلوٰة (شامل بحثهای نمازهای واجب و مستحب و آداب آنها)

۳ - زکوٰة (میزان بدهی شرعی مسلمان از طلا و نقره و غیره)

۴ خمس (میزان بدهی شرعی مسلمان از منافع گوناگون)

۵ - صوم (روزه‌های واجب و مستحب و آداب و احکام آنها)

۶ - اعتکاف (اقامت سه روز یا بیشتر در مسجد برای عبادت در حال روزه‌داری)

۷ و ۸ - حج و عمره (آداب و شروط زیارت خانه خدا و وجوب آن برای افراد مستطیع)

۹ - جهاد (آئین جنگ با دشمنان اسلام و شروط و احکام آن)

۱۰ - امر ب معروف و نهی از منکر (شروط و آداب و ادا کردن مسلمانان بکارهای

نیک و باز داشتن آنان از کارهای نامشروع)

ب - عقود که شامل نوزده کتاب است بقرار ذیل :

۱ - رهن کتاب تجارت (دادوستد و شروط و احکام و انواع آن)

۲ - (گرو گذاشتن و گرو گرفتن و آداب و احکام آن)

۳ - مفلس (ورشکستگی و ممنوعیت شخص از تصرف در اموالش)

۴ - حجر (کسانی که از تصرف در اموال خود ممنوع هستند)

۵ - ضمان (عهده دار شدن بدهی دیگری و احکام آن)

۶ - صلح (اقدام در رفع اختلافات مالی و حقوقی که طرفین در ضمن آن باهم سازش می کنند)

۷ - شرکت (شریک شدن دو یا چند نفر باهم بطور قهری یا ارادی)

۸ - مضاربه (کار کردن شخص بی سرمایه با سرمایه دیگری طبق قرارداد آن دو)

۹ - مزارعه و موساقات (استفاده کشاورز از زمین دیگری و نگهداری باغبان از باغ دیگری

و احکام آنها)

۱۰ - ودیعه (امانت سپردن و امانت پذیرفتن)

۱۱ - عاریه (استفاده رایگان از اموال دیگری بشرط باقی بودن عین مال)

۱۲ - اجاره (آداب و احکام اجاره کردن و اجاره دادن و وظائف موجر و مستأجر)

۱۳ - وکالت (وکیل گرفتن و وکیل شدن)

۱۴ - وقف و صدقات (وقف کردن اموال و املاك برای استفاده مسلمان عموماً یا خصوصاً و اعطای مالی بکسی که استحقاق دارد)

۱۵ - سکنی (استفاده از خانه مسکونی دیگری بلاعوض)

۱۶ - هبات (جمع هبه) (بخشیدن و تمليك چیزی بکسی بلاعوض)

۱۷ - سبق و رمایه (مسابقه دادن در عملیات و فنون جنگی از قبیل اسب سواری و تیر اندازی)

۱۸ - وصایا (وصیت کردن مال یا منفعتی برای دیگری بعد از مرگ وصیت کننده)

۱۹ - نکاح (زناشویی و آداب و احکام آن)

ج - ایقاعات که شامل یازده کتاب است بدین قرار :

۲۰۱ - کتاب طلاق و خلع و مبارات (گسستن رشته زناشویی در موارد لزوم از طرف

شوهر یا زن یا هر دو و احکام آن)

۳ ظهار - (زن را بمنزله مادری یکی از محرمات نسبی قراردادن و احکام آن)

۴ - ایلاء (سوگند خوردن بترك همبستری با همسر)

۵ - لعان (ادعای آلوده شدن دامن همسر بدون گواه و احکام آن)

۶ - عتق (آزاد کردن بردگان)

۷ - تدبیر و مکاتبه و استیلا (عواملی که موجب آزادی بردگان میگردد)

۸ - اقرار (اعتراف بامور مالی یا نسبی)

۹ - جماله (قراردادن پاداش و جایزه معینی برای عملی)

۱۰ - ایمان (سوگند یاد کردن و آداب و احکام آن)

۱۱ - نذر (آداب و احکام نذر کردن)

د - احکام که شامل دوازده کتاب است :

۱ - در کتاب صید و ذباحه (شکار کردن و سر بریدن حیوانات و احکام و آداب آنها)

۲ - اطعمه و اشربه (خوردنیها و آشامیدنیها و آداب و احکام و حدود آنها)

۳ - غصب (احکام تصرف در مال دیگران بزور و عدوان)

۴ - شفه (حق اولویت یکی از دوشريك برای خریدن سهم مشاع دیگری)

۵ - احياء موات (آباد کردن زمینهای بایر و احکام آن)

۶ - کتاب لقطه (احکام پیدا کردن گمشده دیگران از انسان و حیوان و اشیاء)

۷ - فرائض (احکام ارث)

۸ - قضا (داوری و رسیدگی در اختلافات و دعاوی)

۹ - شهادات (شروط گواه بودن و گواهی دادن و احکام و آداب آن) بقیه در صفحه ۷۲

هزینه زندگی زن بعد از مرده است

با ایجاد پیوند زناشویی بین زن و شوهر و تشکیل خانواده، حقوق و وظائف مهم و بسیاری از جهات مختلف متوجه آنان می‌گردد که عقلا و شرعاً موظف با انجام آنها هستند تا بدینوسیله نظام خانواده بنحو صحیح و کاملی برقرار گشته و از هر گونه بی‌نظمی و هرج و مرج و اختلافات خانوادگی و سستی در بنیان خانواده و یا انحلال آن جلوگیری شود.

زن در مقابل مرد حقوقی دارد و مرد باید آنها را حتی الامکان عملی سازد چنانکه مرد نیز در برابر زن از حقوقی برخوردار است که زن لازمست تا حدود امکان آنها را انجام دهد.

مهمترین وظائف مرد نسبت بزن پنج امر زیر می‌باشد:

۱ - تأمین مخارج لازم زندگی زن (نفقه و کسوه).

۲ - اظهار مهر و محبت.

۳ - آمیزش جنسی و عمل زناشویی.

۴ - آزادی دادن در اداره امور داخلی خانه.

۵ - خوش بینی نسبت بزن و گمان بد نداشتن.

این پنج وظیفه اساسی مرد نسبت بزن بتدریج در طی شماره های آینده مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت.

یکی از وظائف مرد نسبت بزن تأمین مخارج و لوازم زندگی زن از قبیل پوشاک و مسکن و خوراک و سایر احتیاجات لازم و ضروری اومی باشد.

این تکلیف از هنگامیکه زن منتقل بمنزل شوهر می‌گردد و یا خود را آماده انتقال کرده است متوجه مرد می‌شود.

مطابق این قانون دیگر زن خود را ملزم نمی‌داند برای تأمین هزینه و احتیاجات زندگی بتکاپو پرداخته متحمل زحمات و مشقات زیادی برای تأمین احتیاجات زندگی خود در خارج از

خانه باشد و چنانکه خواهیم دید این قانون کاملاً بصلاح زن و خانواده و جامعه بوده مطابق بانوامیس طبیعی و ساختمان خلقت زن نیز می باشد .

این قانون کم و بیش در سایر شرایع و ملل نیز معمول بوده و هست و انحصار بقوانین اسلام ندارد . آری از مطالعه قوانین مدنی بعضی از ممالک مثل ژاپن بخوبی استفاده می شود (۱) که قانون مدنی آن کشور مرد را از این وظیفه معاف کرده تأمین هزینه های زندگی زن را بعهده خود او گذارده است تذکر این نکته در اینجا لازمست که این قانون با اینکه انحصار باسلام ندارد ولیکن اسلام در این قانون و خصوصیات آن نظرات عالی و مترقی داشته در تأمین کامل حقوق زن و مرد و بقاء نظام صحیح خانواده نقش مؤثری بازی می کند و قابل قیاس با هیچ قانون و شریعتی در این مورد نمی باشد .

برای توضیح نظرات عالی اسلام در این قانون بتدریج باید بیررسی این مسائل پرداخت : حدود و وظیفه مرد در تأمین مخارج زن چیست ؟ و باچه شرائطی این تکلیف متوجه مرد می شود ؟ و درقبال آن زن چه وظائفی بعهده دارد ؟ در صورت امتناع مرد از پرداخت نفقه اسلام برای حفظ حقوق زن چه نظری دارد ؟

آیا با وجود تأمین مخارج زن از طرف مرد ، دیگر لزومی دارد که زن در خارج از منزل بکار پرداخته از انجام وظائف اصلی خود (خانه داری و بچه داری) بازماند ؟ و اصولاً زیانهای این کار از لحاظ اجتماعی و مصالح زن و خانواده چیست ؟

حدود نفقه در اسلام

چنانکه در بالا اشاره کردیم تمام احتیاجات لازم زن از قبیل پوشاک و مسکن و خوراک حتی لوازم زینت و آرایش همه برعهده مرد می باشد که بقدر کفایت آنها را تأمین نماید ولو اینکه زن امکانات مالی قوی برای خود داشته باشد .

اگر مرد از زن بخواهد که بمنزل او منتقل مکان دهد و زن نیز سرپیچی نماید در این صورت زن ادعائی از بابت نفقه از طرف مرد ندارد مگر اینکه امتناع او علت قانونی داشته باشد از قبیل اینکه منزل برای وضع زندگی او مناسب نباشد و نفع زن اقتضا نکند . با خانواده شوهر که در این منزل ساکن هستند زندگی کند .

از نظر نفقه اسلام روشنست که مخارج زن با در نظر گرفتن وضع مالی شوهر باید تأمین شود و لولاینکه زن از خانواده ثروتمندی باشد مثلاً اگر شوهر کارگر باشد لازمست مخارج زن خود را در حدود وضع کارگری تأمین نماید و بیش از این نیز نمیتوان انتظار داشت .

آری اگر وضع مالی مرد خوب باشد و زن از نظر خانواده خود در وضعی قرار گرفته باشد که حفظ شخصیت و حیثیت خانوادگی او اقتضای داشتن خدمتکار بکند بر مرد لازمست که این

احتیاج او را نیز برطرف نماید .

حتی اسلام زنی را که از شوهر خود جدا شده و از وی حامله باشد تا مادامیکه وضع حمل ننموده است مخارج وی را بقدر کفایت برعهدهٔ مرد گذارده است، زیرا بدیهی است که زن با وجود حامله بودن نمیتواند شوهر دیگری اختیار کند تا بدینوسیله احتیاجات زندگی خود را برطرف سازد و حتی اگر جدائی بین زن و شوهر بنحوی باشد که تامت معینی از لحاظ قانون اسلام امکان رجوع بزن و شوهری میسر باشد باز تمام مخارج ضروری زن از مسکن و خوراک و پوشاک و ... در این مدت برعهده مرد است .

ولی چنانچه جدائی بین زن و شوهر متزلزل نباشد و باصطلاح فقهی طلاق باین بین آندو واقع شده باشد دیگر تأمین مخارج زن برعهدهٔ مرد نیست زیرا زن در اینصورت آزاد بوده می تواند بعد از گذشتن ۳ ماه از هنگام طلاق شوهر اختیار کند و تا وقتیکه شوهر جدیدی برای او پیدا نشده است با مهریه یکبارگی از شوهر خود هنگام جدائی از وی دریافت داشته است «مایحتاج» اولیه زندگی وی را تأمین می نماید .

خوانندگان چنانکه ملاحظه می فرمایند اسلام در هر حال و در هر پیش آمدی قوانین عادلانه ای برای حفظ حقوق زن و مرد وضع نموده است .

وقتی اهمیت و ارزش فوق العاده قوانین عالی اسلام در مورد قانون نفقه روشن می شود که نگاهی بقوانین فعلی بعضی از ممالک صنعتی امروز جهان در این مورد بنمائیم :

قوانین مدنی ممالک متحده امریکادر مورد نفقه عادلانه نبوده منافع مرد را بعد از انحلال خانواده و جدائی زن از مرد تأمین نمی کند زیرا قوانین موجود امریکا در مورد خانواده مردها را بعد از انحلال خانواده نیز مجبور می کند که مقداری از بابت مخارج تا پایان عمر برای زنان مطلقه بدهند و لوی اینکه زن درآمد خوب و مناسبی داشته باشد و یا شوهر کرده و از لحاظ هزینه های ضروری زندگی تأمین بوده باشد .

این امر در دسر و ناراحتیهای فوق العاده ای برای جامعه امریکائی ایجاد کرده است و بهتر است آنرا از زبان «نیویورک تایمز» یکی از روزنامه های پرتیراژ و معتبر آمریکا بشنوید :

«آن دسته از مردان امریکائی که زنان خود را طلاق می دهند بشدت خشمگین هستند و قصد سرکشی در مقابل قانون را دارند، چون مجبورند ماهیانه مبلغی معتنا بهی بعنوان خرجی ، بزن سابق خود بدهند و اگر این کار را نکنند بزندان محکوم خواهند شد .

عده ای از آنها يك كلوب تشكيل داده اند که هدف آن تغییر قانون طلاق و کاهش مبلغ خرجی است ، بخصوص که زنهای امریکائی غالباً شاغلند و وضع مالی مناسبی دارند .

از طرف دیگر درست معلوم نیست که هر مردی بعد از طلاق دادن زنش چه مقدار خرجی باومی دهد چون این مبلغ بطور محرمانه توسط دادگاه تعیین می شود، امامیتوان حدس زد

که هر مرد امریکائی که هفته‌ای پانصد تومان درآمد نزدیک بیک سوم آنرا بابت خرجی بزن سابقش می‌دهد .

جمعیت «شوهران زن طلاق داده» قصد دارند قانونی بگذرانند که بموجب آن اگر مردی نتوانست خرجی بدهد دیگر بزندان محکوم نشود» (۱) .

ممکن است خوانندگان بپرسند که چرا قوانین امریکا دمورد دادن خرجی بزن طلاق داده شده اصرار می‌ورزد ؟ .

در پاسخ آن باید گفت که جامعه امریکائی این سختگیری را بمنظور کاهش تعداد طلاق ضروری می‌داند و لکن مطالعه آمار طلاق در امریکا بخوبی نشان می‌دهد که آمار طلاق همواره در امریکا علی‌رغم این گونه سختگیری‌های بیمورد قوس صعودی پیموده است بطوریکه نسبت طلاق در سال ۱۹۶۳ نسبت به سال ۱۹۰۰ تقریباً ۵ برابر شده است .

با وجود این مشکلات که برای جامعه پیشرفته صنعتی امریکا در این مورد پیش آمده است بطوریکه همواره در آتش ناراحتی می‌سوزند و می‌سازند بسیار متأسفیم از اینکه در ایران ماسمینار

خانواده تشکیل می‌دهند و بجای اینکه از قوانین عادلانه اسلام دفاع کرده و خواهان عمل با آنها باشند قطعنامه بلندبالائی صادر کرده صریحاً خواستار وضع قوانینی مثل قوانین امریکا می‌شوند بلکه بالاتر پیشنهاد می‌نمایند :

«زنانی که با کار در خارج از منزل درآمدی دارند مکلف (دقت کنید نه بصورت یک وظیفه اخلاقی) باشند در تحمل هزینه‌های خانواده شرکت نمایند !» (۲)

آیا این گونه پیشنهادها را چگونه باید توجیه کرد؟ آیا در این پیشنهادها صلاح زن در نظر گرفته شده است یا نه ؟ قضاوت در این مورد را بعهده خوانندگان می‌گذاریم .

بقیه از صفحه ۶۸

۱۰ - حدود و تعزیرات (تنبیه بدنی در برابر اعمال نامشروع)

۱۱ - قصاص (مقابله بمثل در برابر قتل و جرح و ضرب)

۱۲ - دیات (خونبها و بدهی مالی در اثر وارد کردن ضررهای گوناگون بر بدن دیگری) .

ما در بیان فهرست بالا کتاب معروف شرایع محقق را منظور نمودیم تا حقیقت جوین دانشمند بتوانند در صورت لزوم بشروح این کتاب (مسالك وجواهر ..) مراجعه فرمایند .

باید توجه داشت که احکام و قوانین اسلامی یادگار چهارده قرن پیش است که جهان در ظلمت جهل و نادانی بسر می‌برد . جالب‌تر اینکه نه تنها گذشت قرون متمادی و ترقی سطح افکار و دانش از عظمت و طراوت آن نکاسته است، بلکه چنانکه در صدر مقاله ملاحظه گردید در دنیای کنونی و میان بزرگترین ممالک باصطلاح متمدن هم با همان عمق و عظمت و اهمیت تلقی بقبول میشود .

(۱) اطلاعات ش ۱۱۸۱۶

(۲) اطلاعات ۱۸ تیرماه سال ۴۷ ش ۲۴۸۴